

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در اجتماع چه میگذرد؟

# بزودی آزادی زنان محدود

میشود!

بمناسبت روز آزادی زنان  
و جشن هفدهم دی!

## آمار و ارقام تکان دهنده!

«... در سال ۱۹۵۸ میلادی در چهل و هشت ایالت امریکا ۲۴۸۹۴۳۹ دختر و زن بجرایم مختلف، از قتل گرفته تا جیب‌بری و قاچاق، دستگیر شدند! طبق آمار جدید این قبیل جرایم در میان زنان امریکائی «سی درصد» نسبت به دو سال قبل افزایش یافته... این وضع منحصر بامریکان نیست و آماریکه از کشورهای اروپائی جمع‌آوری شده نشان میدهد که جرایم و جنایات بانوان در کشورهای اروپائی نسبت به پنج سال قبل از ۲۰ تا ۴۵ درصد افزایش یافته است!... نکته مهم و تأثیر آوری که در این قبیل جرایم بپوشم میخورد اینست که بیش از ۴۰ درصد مجرمین از دختران و زنان جوان کمتر از «بیست سال» میباشند! و ارتکاب جرم و جنایت از طرف دخترانی که سنشان

بین ۱۲ تا ۲۰ سال است نشان میدهد که «انعطاط اخلاقی» به چه پایه خطرناکی رسیده است . . . .

افزایش جرائم و جنایات زنان ، روانشناسان و دانشمندان علم-الاجتماع را در این اواخر اندیشناک ساخته و با کشف علل این افزایش خطرناک راههای چاره‌ای هم پیشنهاد شده است از آنجمله : کنترل شدید فیلمهای سینما ، جلوگیری از انتشار داستانها و نشریات فساد انگیز ؛ ایجاد محدودیتها و قیود تازه ای در مناسبات زنان و مردان و دخترها و پسرهای امریکائی و اروپائی میباشد ! .

نقل از مجله «سپیدوسپاه» شماره

مسلول ۳۶۴ صفحات ۲۰ و ۶۸

\* \* \*

يك بار ديگر اين آمار و ارقام وحشتناك را از نظر بگذرانيد ، راستی آماری است تكان دهنده كه بقول نویسنده آن مجله از شنیدن آن مورب بدن انسان داست میشود . آری این همان جنس لطیف ؛ همان فرشته آسمانی ، همان مظهر مهر و عاطفه جهان انسانیت است كه با این روز رقت بار افتاده است ، واگر این وضع ادامه پیدا کند ( والبته با اوضاع و احوال کنونی چرا ادامه پیدا نکند ) ؟ فکر کنید كار بكمجا خواهد کشید ؟ بقیده شما آیا این توسعه روز افزون فجایع و جنایات در میان جنس لطیف ، آنهم با آن وضع وحشتناك ، دلیلی جز آزادی بی حساب و غلط کنونی دارد ؟ .

چه اشخاصی این ستم را بجنس زن کردند و او را از آغوش گرم خانواده بکنج سپاه چال زندان انداختند و در چنگال کيفرهای جانفرسای قانون گرفتار ساختند ؟ .

آنها هر كه بودند هر چه کردند آیا بجنس زن خدمتی نمودند و بر افتخارش افزودند ؛ قضاوت درباره این موضوع تا حدی بعهده شما و بیشتر بعهده تاریخ آینده است ؛

امروز تعداد زنان در پستهای حساس اجتماعی : نخست وزیری ، ریاست جمهوری ، وزارت ؛ استانداری و . . . انگشت شمار است ، در حالی كه تعداد زنان و دخترانی كه در گوشه زندانها بسر میبرند ( بخصوص در مراکز اصلی تمدن ؛ ) بسیار زیاد میباشد .

اشتباه بزرگ اینجاست !

عیب کار اینست كه ما تصور میکنیم میتوان با قوانین سرسخت طبیبی جنگید و ما

تصویب نامه‌ها و قانونها جلو آنها را سد کرد و از کار انداخت . این يك اشتباه بزرگ است درست است که امروز انسان با سر پنجه علم قوای سرکش طبیعت ( یعنی محیط خود) را یکی پس از دیگری تسخیر میکند ، ولی تصور نکنید قوانین طبیعی راهم میتواند برهم زند و ام ساختن نیروهای طبیعی مطلبی است و برهم زدن قوانین جهان طبیعت مطلب دیگر .

نکته قابل توجه اینجاست که راه پیروزی برقوای سرکش طبیعی منحصرأ استفاده از خود طبیعت است ، دانشمندی که دل آنها را میشکافد و الکترونها را آزاد کرده و از نیروی شگرف درون اتم استفاده میکند ، این دانشمند از ماشینهای عظیم الکتریکی ، از وسایل و ابزار دقیق علمی یعنی از همان خواص طبیعی موجودات استفاده کرده و اتم را میشکند .

آن پزشک عالیقامی که با انواع بیماریها مبارزه میکند ، حربه خود را از همین موجودات طبیعی انتخاب نموده است . واکسن هائی که برای پیشگیری امراض خطرناک تزریق میکنند چیزی جز میکربهای ضعیف همان بیماری نیستند ، این میکربها وقتی وارد خون شدند گلبولها بجنگ آنها برخاسته و ماده سمی مخصوصی برای نابود کردن آنها از خود ترشح مینمایند و همین ماده است که برای بدن در برابر آن بیماری مصونیت ایجاد میکند . همچنین سرم‌هایی که هنگام ابتلاء به بیماری بنظور درمان به بیمار تزریق میشود درحقیقت همان مواد ترشهی گلبولها هستند که از حیواناتی که بطور مصنوعی آنها را مبتلابان بیماری ساخته اند جمع آوری شده است .

حال اگر آن دانشمند اتم شکاف و این پزشک ماهر بنشینند و قانونی تصویب کنند که از این تاریخ بعد الکترونها حق ندارند با آن حرکت سرسام آور بدور هسته اتم بچرخند و باید آزادانه در اختیار ما باشند ، یا میکرب فلان بیماری حق ندارد از مرزهای فلان کشور عبور کرده و اهالی آنجا را بیمار سازد ، البته همه با آنها میخندند !

کسانیکه میخواهند با تصویب نامه‌ها و قانونها زن و مرد را در همه چیز یکسان کنند و هر دو را بطور مساوی در تمام شئون اجتماعی دخالت دهند درست همین حال را دارند .

آقایان ! زن زن است ، جنس لطیف است ، باردار میشود ، وضع حمل میکند ، بچه شیر میدهد و برای انجام این وظیفه بزرگ مادری ساختمان مخصوصی دارد و قانون خلقت او را با وسایل خاصی مجهز ساخته است ، عواطف و احساسات خاصی دارد که متناسب با انجام این وظیفه مقدس است ، و بگفته دانشمند معروف دکتر الکسیس کارل : « منطقی نیست که توجه زنان را از وظائف مادری منحرف سازند و نیاپستی برای دختران جوان نیز همان طرز فکر و همان نوع زندگی و همان هدف

وایده آلی را که برای پسران جوان در نظر میگیریم معمول داریم « ۱ (۱) . بنا بر این باید توجه داشت که جنس زن باجنس ذمخت مرد در همه چیز تفاوت دارد و در دین نمیتوان یکسان بهر کار و ادا کرد؛ قانون آفرینش خطه یرز ندگی آنها را یک صورت تعیین نکرده است ، تکامل در جنس لطیف و خشن هرگز یک نوع نیست و در دو جهت متفاوت قرار دارد. هرگز با نشست و برخاست و گذراندن قانون و جشن تالار فرهنگ و سرو صدای روز ۱۷ دیماه و قلمفرسائی روز نامه نویسهائی که برای جلب مشتری بیشتر دست و پا میکنند ، نمیتوان این قوانین سر سخت طبیعی را از جای خود تکان داد ! باز داشتن بانوان از وظیفه طبیعی خود و ادا داشتن با موری که قادر بانجام آنها نیستند نتیجه ای جز بيمصرف ساختن این جنس مفید ندارد ؛ و سر انجامش همانست که نمونه آن را در بالا مشاهده نمودید ، همچنانکه با تصویب قانون و جشن و قلمفرسائی نمیتوان مردان را و ادا در بحال شدن و شیر دادن اطفال شیر خوار نمود .



#### راه خدمت بجنس زن این است

طرفداران تساوی کامل زن و مرد و شرکت آنها در تمام شئون زنندگی اگر راستی میخواهند خدمتی باین جنس کنند اگر از ما بپذیرند راهش اینست که ترتیبی دهند که مسأله « تغییر جنسیت » یعنی تبدیل زن بمرد و مرد بزنی که امروز منحصر با فرد « دوجنسی » (خنثی) است تممید پیدا کند و باین وسیله تمام زنان اجتماع ما را مطابق کشف تازه ای تبدیل بمرد کنند و تغییر در طبیعت آنها بدهند ؛ شکی نیست که ما هم در این صورت با آنها همصدا خواهیم شد و بانوان محترمه سابق و آقایان محترم امروز را بطور مسلم در کلیه شئون با مردان یکسان خواهیم شناخت .

ولی افسوس که چنین کاری را نمیتوان کرد ، تازه اگر هم ممکن باشد معلوم نیست بصرفه اجتماع بشری باشد زیرا مساوی با انقراض نسل انسان است ، مگر اینکه این آقایان ترتیبی بدهند که جنس خود را هم تغییر داده و از این راه نوع بشر را حفظ نمایند ؛ از همه گذشته اگر فرضاً روزی مسئله تغییر جنسیت بطور عمومی عملی شود معلوم نیست بصرفه طرفداران آزادی و تساوی زن باشد ، زیرا منظور بسیاری از آنها اینست که زن را

بازیچه‌ای برای اشباع هوسهای خود کنند (همانطور که کرده‌اند) اگر زنها تغییر جنسیت بدهند نتیجه معکوس خواهد داد!



### بیانید از تجربیات دیگران استفاده کنیم

ما تردیدی نداریم که آزادی بی‌حساب و بی‌بندوباری امروز زنان اروپا و آمریکا و جمعی از زنان فرنگی مآب ما که امروز بصورت یک بیماری خطرناک اجتماعی درآمد و هواران نافر را قربانی خود کرده و خانواده‌های بیشماری را متلاشی ساخته است، در آینده نزدیکی چنان عکس‌العمل نامطلوبی در افکار عمومی مردم جهان بجای خواهد گذارد که مجبور بتجدید نظر خواهند شد.

قرائن زیادی در دست است که دنیادرباره این نوع آزادی تغییر عقیده خواهد داد، یعنی فجایی که مولود وضع رقت بار و نابسامان کنونی است بجایی میرسد که بحکم اجبار همگی تن باین تجدید نظر در می‌دهند، چنانکه در بالا خواندید که «افزایش جنایات و جرائم زنان، روان‌شناسان و دانشمندان اجتماعی غرب را در این اواخر اندیشناک ساخته و بفکر چاره جویی انداخته است و راهبانی از قبیل محدودیت و قیود تازه ای در مناسبات زنان و مردان و دخترها و پسرها، کنترل شدید فیلمها و جلوگیری از انتشارات فساد انگیز، پیشنهاد شده است».

بیانید ما از نتیجه تجربیات دیگران استفاده کنیم، از راهبانی که آنها رفتند و آنچه زبان دیدند برویم؛ طرز فکر خود را درباره زنان و آزادی آنها عوض کنیم، این مظاهری که امروز در دنیای متمدن دیده میشود با روح آزادی ابداً سازش ندارد، این همان اساس زن در جنگال شهوت است، مؤسسه‌این نوع آزادی خودشان از عواقب آن بو حشت افتاده اند.

خود بانوان باید باین نکته توجه داشته باشند که هر قدر آزادی غلط فعلی توسعه پیدا کند بموازات آن انحطاط اخلاقی جنس زن بیشتر؛ و ارزش و شخصیت او کمتر خواهد شد. راه عاقلانه و عادلانه‌ای را که آئین مقدس ما «اسلام» در این باره تمییز کرده بگیریم و بیش برویم.